

## طلاق عاطفی شکست بی‌صدای خانواده‌ها

نمی‌توانیم منکر این مسئله باشیم که ارتباط عاطفی میان فرزندان و والدین و حتی همسران به شدت کاهش یافته است.



سلامت نیوز: نمی‌توانیم منکر این مسئله باشیم که ارتباط عاطفی میان فرزندان و والدین و حتی همسران به شدت کاهش یافته است. اتفاقی که اصطلاحاً به آن طلاق عاطفی می‌گویند. متأسفانه این روزها توجه مسئولان و مردم بیش‌تر به آمار طلاق‌هایی که به ثبت می‌رسند و همه در تلاشند تا این آمارها را کاهش دهند، غافل از این‌که آمار طلاق‌های عاطفی که نتایج آن به مراتب خطرناک‌تر و مخرب‌تر از طلاق‌های ثبتی است هر روز بیش‌تر از روز قبل افزایش پیدا کرده و گریبانگیر بیش‌از 80 درصد خانواده‌های ایرانی است.

این مسئله به‌ویژه در شرایطی که تورم افزایش پیدا می‌کند بیش‌تر به چشم می‌خورد به طوری که با افزایش قیمت‌ها مرد و زن هر دو مجبورند در بیرون از خانه کار کنند و وقت کمی را برای گذراندن با یکدیگر و با فرزندان دارند یا در خانواده‌هایی که زن خانه‌دار است مرد برای امرار معاش مجبور است دو شیفت کار کند و به این ترتیب رفته رفته ارتباط صمیمی زوجها از بین می‌رود. طبق بررسی‌های به عمل آمده 80 درصد از خانواده‌ها دچار طلاق عاطفی هستند این در حالی است که خانواده پایه و زیربنای جامعه است و اسلام هم می‌گوید خانواده از همه چیز مهم‌تر است.

اگر به نمودارهای ازدواج و طلاق نگاه کنیم آنچه مشاهده می‌شود این است که ازدواج کاهش یافته و طلاق در حال افزایش است. این قضیه را نمی‌توان تنها با یک یا دو علت توجیه کرد بلکه مسائل مختلفی در آن دخیل هستند که شامل مسائل فرهنگی، اجتماعی و مهم‌تر از همه اقتصادی می‌شود. با همه اینها و حتی با در نظر گرفتن آمار طلاق، آنچه بیش‌از این موارد نگران‌کننده است طلاق‌های عاطفی است که شاهدش هستیم و خانواده‌ها در معرض فروپاشی هستند هرچند رسماً طلاقی صورت نگرفته باشد.

این اتفاق از آنجا رخ می‌دهد که طلاق در جامعه ما برای خانم‌ها یک فاجعه است و اگر دختر طلاق بگیرد، تمام خانواده آن به هم می‌ریزد و با مشکل مواجه می‌شود. در شرایطی که ما زندگی می‌کنیم زنی که طلاق گرفته باشد هیچ جایگاهی در جامعه ندارد بنابراین زنها با وجود اختلاف‌هایی که ممکن است وجود داشته باشد همچنان به زندگی خود در شرایط پراسترس و اضطراب خانواده ادامه می‌دهند.

این در حالی است که این مسئله عواقب زیادی برای فرزندان دارد و آنها که هر روز شاهد انواع خشونت‌ها و درگیری‌ها بین والدینشان هستند چطور می‌توانند سلامت روانی داشته باشند و به دام انواع بزهکاری‌ها و جرایم نیفتند؟

در چنین شرایطی درست است که بسیاری از موارد دست خود خانواده‌ها نیست و اتفاقاتی است که باید طی سیاستگذاری‌های کلان اصلاح شوند اما خانواده‌ها هم می‌توانند نقش موثری در کاهش این تنش‌ها داشته باشند. زن و شوهرها باید با قرار گرفتن در شرایط بحرانی و هنگامی که احساس کردند از لحاظ عاطفی از هم دور شده‌اند با مراجعه به مراکز مشاوره از بروز بحران‌های جدی‌تر و رسیدن به نقطه طلاق عاطفی و پس از آن طلاق واقعی جلوگیری کنند.

اما متأسفانه در جامعه ما مشاهده می‌شود به دلیل این‌که فرهنگسازی درستی انجام نگرفته، مردان زیاد تمایل ندارند که به مراکز مشاوره مراجعه کنند، بنابراین باید با اطلاع‌رسانی درباره لزوم مراجعه به متخصصان در چنین شرایطی تمایل بیش‌تری برای کمک گرفتن از متخصصان در آنها ایجاد کنیم. البته، هزینه‌های بالای مشاوره هم خود مسئله دیگری است که اگر می‌خواهیم آسیب‌های

اجتماعی کمتری را شاهد باشیم باید فکری اساسی برای آن بکنیم.  
منبع: روزنامه ملت ما